

الحمد لله الذي نحمده و نستعديه و نستعينه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له و من يضله فلا هادي له و الصلاة و سلام على سيدالانبياء والمرسلين حضرت محمد مصطفى (ص) و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين و المنتجبين؛ اما بعد!

حقوق زنان

نوشته: احسان الله محمدی



22 نومبر 2015

امروز با توسعه و تحول که در جوامع بشری بوجود آمده است و سیستم های تحصیلی و تعلیمی و آموزشی بزرگی در دسترس زن و مرد به صورت مشابه قرار دارد و نهادهای آموزشی و حقوقی و حمایتی از حقوق طبقات مختلف جامعه در اعماق ساختار جامعه ریشه گسترانیده است. تقاضا این موضوع را می نماید تا برای تمام قشرهای اجتماع بشری حقوق مساوی داده شود.

گرچه دین مبین اسلام برای زن و مرد حقوق مساوی قایل شده است، به نظر من، امروز دیگر زن آن زن خانگی که برای آوردن طفلی و کفالتی کردن در خانه مرد، سنگ سر نوشت را بر زندگی خود تحمل می کرد نیست. و آن زن که هرچه می گفتی محکوم انجام بود و هر حقوق برایش می دادی قانع بود و هر اندازه مکلفیت که بر او تحمیل می کردی عنوان سرنوشت قبول می کرد، نیست. بلکه می خواهد حقوق مساوی با مرد را داشته باشد به عنوان یک انسان و مکلفیت های برابر با مرد را تحمل کند به حیث یک عضو اجتماع.

به استثنای قرآن مانند امروز نه معاهده و نه اعلامیه و نه میثاقی به امضا میرسید نه مدافعین صادق پیدا کرده است؛ و به تبع آنها نه دولت ها، نه جامعه و نه خانواده ها برای زن حقوق و حیثیت مساوی با مرد قایل بود. (این اروپایی ها و غربی ها هستند که ارزش زن را به اندازه قیمت یک شامپو ساخته و بخاطر مارکیتنگ یا بازاریابی در بازارها از زنان استفاده می کنند).

همه انسانها آزاد و با کرامت خلق شده اند. قرآن کریم انسان را با کرامت می خواند:

سوره الاسراء آیت 70 (ولقد کرّمنا بنی آدم) ترجمه: >> به راستی ما فرزندان آدم را گرامی و با کرامت داشتیم.

(إن اکرمکم عندالله أتقاکم)

سوره نساء آیت 1 می فرماید: " یا ایها الناس تقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد و خلق منها زوجها " ترجمه: ای مردم از پروردگارتان پروا کنید، همان که خلق کرد شما را از نفس واحد و خلق کرد جفت آنها را از خود آنها.

مفهوم تساوی: در کمیت های مقایسوی ما با دو کلمه سرو کار داریم یکی تساوی و دیگری تشابه، تساوی به معنی برابری و تشابه به معنی یک نواختی و عینیت است، بعضی ها تساوی را همان تشابه تعریف کرده اند و فرق این دو کلمه را نادیده گرفته اند یعنی حقوق را که برای مرد قایل شده اند برای زن نیز عین حقوق را در نظر گرفته است.

حال سوال این جاست که آیا حقیقتاً زن با مرد مشابه اند؟

جواب این سوال روشن است، که زن و مرد نه تنها از لحاظ فیزیکی از هم تفاوت دارند، بلکه از لحاظ روانی، عاطفی، نیازمندی و احساسات نسبت به همدیگر نیز از هم متفاوت است، همچنین در خیلی از موارد با هم مشابه هستند.

تقسیمات حقوق زن و مرد در مقایسه به یکدیگر: حقوق زن و مرد در مقایسه به یکدیگر به سه بخش تقسیم می شود.

1. حقوق مشترک مرد و زن: به همان تناسب که زن و مرد مشابهت دارند حقوق شان نیز مشترک است، مانند: حق حیات، حق کرامت انسانی، حق نسب، حق سیاسی، حق بر خورداری از تمامیت جسمی.
2. حقوق مخصوص مرد ها: بعضی حقوق برای مردها در نظر گرفته شده که برای زنها داده نشده است و اینکه فلسفه آن چیست مربوط بحث ما نمی شود، که به آن بپردازیم. ما نند تعدد زوجات و حق سیادت مرد بر زن در مسایل خانوادگی.
3. حقوق مخصوص زنها از نگاه مادی مانند حق نفقه، حق مهر، و تدآوری مناسب و از نگاه معنوی مانند خواهشات عاطفی، برآورده کردن یک فضا مملو از امن و امنیت.

چرا تشابه نه تساوی؟ برای جواب این سوال عنوان های زیر را بررسی می کنیم.

حقوق طبیعی

از نظر مسلمانها حقوق طبیعی زمانی ایجاد می شود که دستگاه خلقت با توجه به هدف، موجودات را بسوی کمالی که استعداد آنها در آن نهفته است سوق می دهد. هر استعداد طبیعی که در هر یک از مخلوقات خداوند نهاده شده مبنای یک حق طبیعی است و در واقع سندی برای بدست آوردن یک حق طبیعی به حساب می آید.

مثلاً: در انسان ها استعداد درس خواندن وجود دارند و به تبع این استعداد حق درس خواندن برایش داده شده است، ولی در گوسفند این استعداد وجود ندارد و حق درس خواندن هم برایش داده نشده است.

در بین انسانها نیز همین طور است که بعضی استعدادها در فطرت زن نهاده شده ولی در مرد آن استعداد وجود ندارد و بعضی استعدادها را مرد دارد و زن ندارد و تبع همین استعداد های متفاوت حقوق آنها نیز باید متفاوت باشد.

تفاوت زن و مرد

نظریه تفاوت زن و مرد چیز تازه ای نیست حد اقل سه سده قبل از میلاد توسط فلاسفه یونان مطرح شده است افلاطون با آنکه اظهار می دارد که زن و مرد با هم مشابه اند باید تمام تعلیمات که به مرد داده می شود به زن نیز داده شود؛ اما به نکته اشاره می کند؛ که زن نسبت به مرد چه در نیروی جسمی، چه در نیروی دماغی و چه در نیروی روحی ضعیف تر است؛ به همین خاطر او با افراط می گوید که " خدا را شکر می کنم که یونانی زائیده شده ام نه غیر یونانی، آزاد به دنیا آمدم نه برده مرد آفریده شده ام نه زن "

بعد از افلاطون شاگردش ارسطو در مخالفت به استادش چنین اظهار می دارد که تفاوت بین زن و مرد از نظر کمی نیست بلکه از نظر کیفی است؛ می گوید که نوع استعداد زن و مرد متفاوت است و وظایف که قانون خلقت بدوش هر کدام آنها گذاشته متفاوت می باشد و تبع آن حقوق که برای هریک از آنها قایل شده متفاوت می باشد.

نظریات جدید در مورد تفاوت زن و مرد بر اساس پیشرفت علوم تجربی و اجتماعی بنا شده است و به صورت اساسی و معیاری می تواند تفاوت ها را توضیح دهد. مثلا علم طب تفاوت های فزیولوژیکی زن و مرد را با جزئیات آن کشف کرده است و روانشناسی و جامعه شناسی تفاوت های روانی و احساسی و رفتاری زن و مرد را که تأثیر مهمی بالای روابط اجتماعی و خانوادگی آنها دارند دریافته است. به هر حال بحث کردن روی این موضوع از حوصله خارج است، به طور خلاصه می توان گفت که با توجه به کشفیات و دریافت های علوم تجربی و اجتماعی زن و مرد از فزیک، روانی، روحی، احساسی، عاطفی و نیازمندی از همدیگر متفاوت است و مشابه نیستند.

آیا این تفاوت ها نقص و کمال است یا تنا سب؟

گرچه در طول تاریخ از این تفاوت ها سوء استفاده های زیاد شده و حال نیز در خیلی از جوامع این تفاوت ها سلاحی است در دست مردان برای محکوم کردن زنها ناقص بودن در حال که این تفاوت ها به هیچ وجه بیانگر این نیست که مرد جنس برتر و با کمال تر نسبت به زنان باشد بلکه قانون خلقت از ایجاد این تفاوت ها منظور و هدف دیگر داشته است و آن هدف این است که همین طریق پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم تر کند و زمینه وحدت آنها را بیشتر نماید.

پس گفته می توانیم که تفاوت های زن و مرد تناسب است نه نقص و کمال؛ قانون خلقت خواسته است با این تفاوت ها تناسب بیشتر میان زن و مرد که قطعا برای زندگی مشترک خلق شده اند و مجرد زیستن انحراف از این قانون است بوجود آورد.

نتیجه گیری

از این گفته ها نتیجه گیری می کنیم که زن و مرد دارای حقوق مساوی در خانواده است نه حقوق مشابه؛ بخاطر تفاوت های موجود بین زن و مرد؛ اما این تفاوت ها نقص و کمال یکی نسبت به دیگر نیست بلکه تناسب است برای پیوند خانوادگی و کانون گرم خانواده و به تبع آن یک جامعه سالم و زندگی با همی.

منابع :

1. نظام حقوق زن در اسلاممرتضی مطهری
2. قرآن کریم آیه 70 سوره اسراء و آیه 1 سوره نساء
3. فقه خانواده در جهان معاصردکتر وهبه زحیلی
4. قانون اساسی افغانستان
5. اعلامیه جهانی حقوق بشر
6. میثاق حقوق مدنی و سیاسی
7. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
8. کنوانسیون رفع هر تبعیض علیه زنان